

## آموزش و توان بخشی حرفه‌ای دانش آموزان دارای نیازهای ویژه\*

کار دانان چون رفو آموختند  
عمر را باید رفو با کار کرد

پاره های وقت بر هم دوختند  
وقت کم را با هنر بسیار کرد

فرصت برای آماده سازی دانش آموزان با نیازهای ویژه و ورود به دنیای کار و مشاغل بعد از اتمام تحصیل می باشد. دیدگاه حقوق انسانی، افراد با نیازهای ویژه مانند سایر افراد جامعه حق برخورداری از امکانات و تسهیلات جامع مشارکت کامل در آن به عنوان یک شهروند را دارند. این کودکان نیز مانند سایر کودکان امیال و نیازهایی مانند کسب مهارت لازم برای محیط کار، ورود به دنیای کار و تبدیل شدن به عضو مشارکت کننده در جامعه را دارند و می بایست به آنها فرصت برابر داده شود تا بتوانند استعداد شغلی خود را در بالاترین سطح ممکن شکوفا سازند.

از دیدگاه اقتصادی نیز شواهد آماری نشان می دهد هزینه آموزش و توان بخشی حرفه‌ای این گروه از دانش آموزان در مقایسه با هزینه های هنگفتی که صرف حمایت و نگهداری آنان برای تمام عمر می شود بسیار ناچیز است (ویرسنزکی و همکاران، ۱۹۹۵).

آموزش و توان بخشی حرفه‌ای باید از زمانی که کودک وارد مدرسه می شود شروع و تا هنگامی که با موفقیت به شغلی گمارده می شود، ادامه یابد. این آموزش باید متناسب با ذوق و استعداد کودک، راهنمایی شغلی، کسب مهارت های لازم و پیگیری دائم همراه باشد.

بررسی تاریخیچه‌ی آموزش و توان بخشی حرفه‌ای بیانگر رشد و تحول در این زمینه است. برای سالیان متمادی،

موضوع مهارت های شغلی و اشتغال افراد با نیازهای ویژه از جمله دغدغه‌هایی است که همواره در میان مسوولان و دست اندرکاران آموزش و پرورش ویژه و همچنین والدین دانش آموزان با نیازهای ویژه وجود داشته است. هر کشوری تدابیر خاصی را برای رفع این دغدغه اندیشیده است. این تدابیر ممکن است در برخی موارد زاینده‌ی اندیشه‌ی فردی و گاه بر اثر تجربه و زمانی نتیجه‌ی اندیشه و برنامه ریزی بلند مدت باشند.

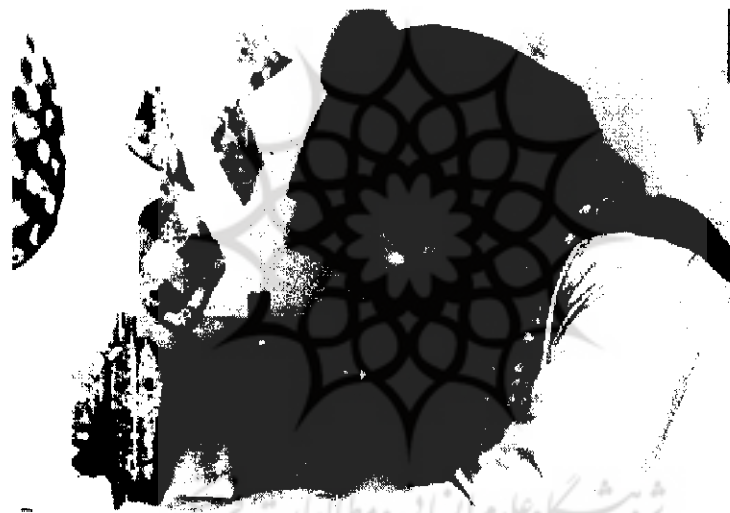
یکی از هدف های اصلی آموزش و پرورش دانش آموزان با نیازهای ویژه رساندن آنان به استقلال نسبی فردی، اجتماعی و اقتصادی است بجه گونه‌ای که این افراد بتوانند ضمن احساس خود ارزشمندی، عضو مفیدی در جامعه نیز باشند. متأسفانه بسیاری از دانش آموزان با نیازهای ویژه بدون اینکه صلاحیت ها و کفایت شغلی لازم برای جذب بازار کار را به دست آورده باشند، مدرسه را ترک می کنند و اغلب بیکار می مانند و تعداد بسیار زیادی از آنان وابسته و سریار جامعه می شوند که هزینه و فشار سنگینی را بر جامعه تحمیل می کند (ویرسنزکی و همکاران، ۱۹۹۵). برای بسیاری از جوانان، اشتغال به معنی هویت یابی اجتماعی، خودکفایی اقتصادی و ایجاد یک شبکه‌ی ارتباط بین فردی است. بنابراین اشتغال یک عامل حیاتی است که با استقلال و تلفیق اجتماعی ارتباط دارد. به نظر می رسد که آموزش و توان بخشی حرفه‌ای، به دلایل متعدد، مهمترین



می دهند و هویت خود را به عنوان اعضای جامعه، شناسایی می کنند. استخدام رقابتی باعث می شود که استفاده کنندگان از توان بخشی حرفه ای بتوانند مهارت های لازم برای انتقال به دنیای کار و کسب درآمدهای بالا را به دست آورند. (مور، ۲۰۰۱ به نقل از مور و همکاران).

خوشبختانه امروزه، میزان تعهد جوامع نسبت به آموزش و توان بخشی حرفه ای افراد با نیازهای ویژه به سرعت رو به افزایش است. در این راستا لازم است معلمان، کارکنان، مشاوران، مدیران مدارس، افراد علاقه مند به امور کودکان و دانش آموزان با نیازهای ویژه در جامعه، بیاموزند که چگونه با یکدیگر همکاری نمایند تا بتوانند به طور مؤثر با چالش های آموزش و توان بخشی این گروه از دانش آموزان روبه رو شوند.

کارگاههای حمایت شده محل های مناسبی برای کار افراد با نیازهای ویژه به حساب می آید (مور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱، به نقل از مور و همکاران). اگر چه تأسیس این کارگاهها زمینه ی مربوط به شرفت مفاهیم مربوط به اشتغال معلولان را فراهم آورد، اما توانست پاسخگوی نیازهای مالی این افراد باشد و آنان را به خودکفایی اقتصادی برساند (وایت هد<sup>۲</sup> و مارون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۶ به نقل از مور و همکاران). افزون بر این، کارگاههای حمایت شده به افراد با نیازهای ویژه اجازه نمی داد تا بتوانند شبکه ی روابط بین فردی با افراد عادی را توسعه دهند (کرنان<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰ به نقل از مور و همکاران). بنابراین کارگاههای حمایت شده در مقایسه با استخدام رقابتی، رضامندی کمتری را ایجاد کرد. کرنان (۲۰۰۰) معتقد است که استخدام رقابتی روشی است که به کمک آن افراد شیوه ی زندگی خود را تعیین کرده، روابط دوستانه را توسعه



عکس از حبیبه لطفی

### زیر نویس ها:

\* توان بخشی حرفه ای فرایند آماده سازی افراد ناتوان ذهنی و جسمی برای اشتغال و جایگزینی آنها در شغل های مناسب می باشد. (حنیفی، ۱۳۷۶)

- 1-Vocational rehabilitation
- 2- Moore
- 3-Whithead
- 4- Marrone
- 5- Kiernan

### منابع:

\* حنیفی، زینت (۱۳۷۶)، بررسی نگرش مربیان و کمک مربیان کارگاههای شغلی و حرفه ای نسبت به قابلیت های شغلی و حرفه ای افراد عقب مانده ذهنی آموزش پذیر، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.

\* Moore, Corey L. & Feist-pric, Sonja & Alston, Reginald J. (Jan-March, 2002). Competitive employment and mental retardation: interplay among gender, race, secondary psychiatric disability, and rehabilitation services. (competitive jobs). Journal of Rehabilitation.

\* Sarkees - Wircenski, Michelle & Scott, Jhon L. (1995). Vocational Special Needs. American Technical Publishers.